

کتاب دانیال - یک صد و ہشتاد و شش

وعد پانیوم: الإعلان عن الختم النهائي وصرخة منتصف الليل

Jeff Pippenger

2024-04-16

در پانیوم، کہ همان قیصریہ فیلیپی بود، و کہ آیات سیزده تا پانزده باب یازدهم کتاب دانیال را در بر می‌گیرد، یعنی آن تاریخ کہ در آن شاخ‌های جمهوری‌خواہ و پروتستان معمای «ہشتمی کہ از آن ہفت است» را تحقق می‌بخشد، و آن تاریخ کہ در آن مہر خدا بہ گونه‌ای دائمی بر یکصد و چہل و چہار ہزار نقش می‌بندد، و تاریخ رسیدن پیام فریاد نیمہ شب، مسیح بہ قوم آخرالزمانی خود وعدہ‌ای عطا کرد.

اور میں بھی تجھ سے کہتا ہوں کہ تو پطرس ہے، اور اس چٹان پر میں اپنی کلیسیا بناؤں گا، اور عالم ارواح کے پھاٹک اس پر غالب نہ آئیں گے۔ اور میں تجھے آسمان کی بادشاہی کی کنجیاں دوں گا؛ اور جو کچھ تو زمین پر باندھے گا وہ آسمان پر بندھا جائے گا؛ اور جو کچھ تو زمین پر کھولے گا وہ آسمان پر کھولا جائے گا۔ متی 16:18، 19.

دورہ مہرگذاری کہ در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، ہنگامی کہ بناہای عظیم شہر نیویورک فرو ریختہ شدند، و با قانون یکشنبہ‌ای کہ بہ زودی خواہد آمد پایان می‌یابد، از سوی آلفا و امگا طراحی شدہ بود. واپسین بخش این دورہ، درست نخستین بخش آن را تکرار می‌کند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، خداوند قوم خود را بہ راہ‌های کهن بازگردانید، جایی کہ در میان حقایق دیگر، «ہفت زمان» را کشف کردند، همان‌گونہ کہ در ایام یوشیای پادشاہ یافتہ شدہ بود. سپس باران آخر آغاز بہ باریدن اندک‌اندک کرد، و فرایند آزمایشی‌ای آغاز شد کہ بہ جدایی دو گروہ از پرستندگان انجامید.

در تحقق باب دوم حبقوق، آن دو نمودار مقدس کشف شدند و بہ نماد آن دورہ تاریخی بدل گشتند. بہ همان اندازہ مہم، «مباحثہ»ی باب دوم حبقوق نیز آغاز شد؛ میان روش‌شناسی «خط بر خط» کہ همان روش‌شناسی باران آخر است، در تقابل با روش‌شناسی پروتستانتیسم مرتد کہ آدونتیسم از زمان شورش ۱۸۶۳ بہ تدریج آن را پذیرفتہ بود.

عیسی وعدہ داد کہ بہ قوم ایام آخر خود «کلیدهای ملکوت» را عطا خواہد کرد، و بدین‌سان، او بہ روش‌شناسی صحیح کتاب مقدسی اشارہ می‌کند کہ دربردارندہ کلیدهای نبوتی لازم برای تشخیص، استوار ساختن و اعلام پیام فریاد نیمہ شب و فریاد بلند است.

सामने के परमेश्वर वे हैं। चलते में प्रकाश के सूर्य के धार्मिकता वे, हैं रखते संगत साथ के परमेश्वर जो "चमकता पर उन प्रकाश स्वर्गीय करते। नहीं अपमान का उद्धारकर्ता अपने करके भ्रष्ट को मार्ग अपने संबंधति उससे और, में वषिय के मसीह, हैं पहुँचते नकिट के अंत के इतिहास के पृथ्वी इस वे जैसे-जैसे है। है अनंत मूल्य उनका में दृष्टि की परमेश्वर है। जाता बढ़ बहुत ज्ञान उनका, में वषिय के भवषियवाणियों वे है। मनोहर और सुंदर अत्यन्त वचन का परमेश्वर लिए उनके हैं। में एकता साथ के पुत्र उसके वे क्योंकि से आभा कोमल सदिधान्त का देहधारण है। जाता कथिा प्रकट पर उन सत्य हैं। देखते को महत्व उसके सब और है खोलती को रहस्यों सब जो है कुंजी वह पवतिरशास्त्र कहें देखते वे है। उठता हो मंडति की नहीं इच्छा की चलने में ज्योति और करने ग्रहण को ज्योति जिन्होंने है। करती समाधान का कठनिाइयो में चलने पीछे के यीशु और उठाने क्रूस जिन्होंने परन्तु; होंगे असमर्थ में समझने को भेद के भक्तिये, है " The Southern Watchman, April 4, देखेंगे। ज्योति में ज्योति की परमेश्वर वे, है कथिा नहीं संकोच

1905.

آنانی کہ به واسطہٴ پطرس نماد یافتہ اند، یعنی آن یکصد و چہل و چہار ہزار، کسانی ہستند کہ پیام لائودیکہ را کہ در ۱۱ سہتامبر ۲۰۰۱ رسید، می پذیرند؛ پیامی کہ اکنون از ژوئیہ ۲۰۲۳ بار دیگر تکرار می شود۔ پیام لائودیکہ کہ در ۱۸۵۶ رسید، همان معرفت افزودہ «ہفت زمان» بود؛ و ہنگامی کہ مسیح استخوان ہای خشک را بہ ہم پیوند می دہد، و سپس بہ آنان حیات می بخشد، ایشان از جنبش لائودیکہ ای فرشتہٴ سوم بہ جنبش فیلا دلفیایی آن یکصد و چہل و چہار ہزار انتقال می یابند۔ این انتقال بہ واسطہٴ کلام مسیح تحقق می یابد، زیرا ایشان بہ وسیلہٴ کلام او تقدیس می شوند؛ و کلام او «حق» است، و کلام او «کلید»ی است کہ کلام او را می گشاید۔

اور فلاڈلفیہ کی کلیسیا کے فرشتے کو لکھو: یہ باتیں وہ فرماتا ہے جو قدوس ہے، جو برحق ہے، جس کے پاس داؤد کی کنجی ہے، جو کھولتا ہے اور کوئی بند نہیں کر سکتا، اور بند کرتا ہے اور کوئی کھول نہیں سکتا۔ میں تیرے اعمال کو جانتا ہوں۔ دیکھ، میں نے تیرے سامنے ایک کھلا دروازہ رکھ دیا ہے، اور کوئی اسے بند نہیں کر سکتا، کیونکہ تجھ میں تھوڑی سی قوت ہے، اور تو نے میرے کلام کو محفوظ رکھا ہے، اور میرے نام کا انکار نہیں کیا۔ مکاشفہ 3:7-8۔

میتھڈالوجی "line" upon line وہ کنجی ہے جس کا مسیح نے اپنے آخری زمانہ کے لوگوں سے "gates" پر ہونے والی جنگ میں وعدہ فرمایا تھا۔ ایک "gate" ایک کلیسیا ہے۔

اور یعقوب اپنی نیند سے جاگا اور اُس نے کہا، یقیناً خداوند اس جگہ میں ہے، اور مجھے معلوم نہ تھا۔ اور وہ خوفزدہ ہوا اور کہنے لگا، یہ جگہ کیسی ہیبت ناک ہے! یہ خدا کے گھر کے سوا اور کچھ نہیں، اور یہی آسمان کا دروازہ ہے۔ پیدایش 28:16، 17۔

دروازوں پر ہونے والی جنگ اُن مذہبی معرکوں کی نمائندگی کرتی ہے جو حق اور باطل کے درمیان برپا ہوتے ہیں، اور یونان کے مذہب کی گمراہی جہنم کا دروازہ ہے، اور مرتد لائوڈیکیائی ایڈونٹ ازم کا مذہب بھی ایک دروازہ ہے۔ لائوڈیکیائی ایڈونٹسٹ دروازہ اُس مقام کی نمائندگی کرتا ہے جہاں حقوق کی بحث پوری ہوتی ہے۔

در آن روز یھوہ صبايوت برای باقی ماندہ قوم خویش تاج جلال و افسر جمال خواهد بود؛ و روح داوری برای آن کہ بر مسند داوری می نشیند، و قوت برای آنان کہ جنگ را تا دروازہ بازمی گردانند۔ اما اینان نیز از شراب بہ خطا رفتہ اند، و از مسکر از راہ منحرف شدہ اند؛ کاهن و نبی از مسکر بہ خطا رفتہ اند، در شراب فرو رفتہ اند، از مسکر از راہ منحرف شدہ اند؛ در رؤیا خطا می کنند، و در داوری می لغزند۔ زیرا ہمہ سفرہا از قی و پلیدی پر شدہ است، چندان کہ ہیچ جای پاکی باقی نماندہ است۔ او معرفت را بہ کہ تعلیم خواهد داد؟ و فہم تعلیم را بہ کہ خواہد آموخت؟ بہ آنان کہ از شیر بازگرفتہ شدہ اند و از پستان جدا گردیدہ اند؟ زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ قاعدہ بر قاعدہ، قاعدہ بر قاعدہ؛ اندکی اینجا، و اندکی آنجا۔ زیرا او بہ این قوم با لب ہای لکنت دار و بہ زبانی دیگر سخن خواہد گفت۔ همان کہ یہ ایشان گفت: «این است آرامی کہ با آن می توانید خستہ را آرامش دہید؛ و این است آسایش»؛ اما نخواستند بشنوند۔ پس کلام یھوہ برای ایشان حکم بر حکم شد، حکم بر حکم؛ قاعدہ بر قاعدہ، قاعدہ بر قاعدہ؛ اندکی اینجا، و اندکی آنجا؛ تا بروند، و بہ پشت بیفتند، و شکستہ شوند، و در دام افتند، و گرفتار گردند۔ پس ای مردان استہزاگر کہ بر این قوم ساکن اورشلیم حکم می رانید، کلام یھوہ را بشنوید۔ اشعیا 28:5-14

کلیدہای پادشاہی، کلمات کتاب مقدس اند کہ بہ واسطہٴ کلمہ بہ قوم ایام آخر خدا عطا می شوند۔

«در کلام، حقایقی ہست کہ همچون رگہای سنگ معدنی گران بہا، در زیر سطح پنهان اند۔ این گنج نہفتہ ہنگامی آشکار می شود کہ در پی آن جست وجو شود، همان گونہ کہ معدن کار در جست وجوی طلا و نقرہ است۔ برہان حقایق کلام خدا در خود کلام نہفتہ است۔ کتاب مقدس کلیدی است کہ کتاب مقدس را می گشاید۔ معنای ژرف حقایق کلام خدا بہ وسیلہٴ روح او بر

ذهن‌های ما مکشوف می‌گردد.»

«کتاب مقدس کتاب بزرگ درس برای شاگردان مدارس ماست. این کتاب تمام اراده خدا را درباره پسران و دختران آدم تعلیم می‌دهد. این قانون زندگی است و به ما از آن شخصیتی تعلیم می‌دهد که باید برای حیات آینده پدید آوریم. برای قابل فهم ساختن کتب مقدس، ما به نور کم‌سوی سنت نیازی نداریم. همان قدر می‌توان پنداشت که خورشید نیمروز برای افزون ساختن جلال خود به روشنایی لرزان مشعل زمینی نیاز دارد. برای نجات انسان‌ها از خطا، گفته‌های کاهن و خادم لازم نیست. آنان که با وحی الهی مشورت می‌کنند، نور خواهند داشت. در کتاب مقدس هر وظیفه‌ای آشکار شده است. هر درسی که داده شده، قابل فهم است. هر درس پدر و پسر را بر ما مکشوف می‌سازد. کلام قادر است همگان را برای نجات حکیم سازد. در کلام، علم نجات به روشنی مکشوف شده است. در کتب مقدس تفحص کنید، زیرا آن‌ها آواز خداست که با جان سخن می‌گوید.» شهادت‌ها، جلد ۸، ص. ۱۵۷.

کلیدهایی که مسیح به کلیسای ایام آخر عطا فرمود، همان قدرتی را دارند که هنگامی که به پطرس داده شدند، داشتند.

«پطرس آن حقیقتی را ابراز کرده بود که بنیاد ایمان کلیساست، و عیسی اکنون او را به عنوان نماینده تمام جماعت ایمانداران تکریم کرد. او فرمود: «کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم سپرد؛ و آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد.»»

«کلیدهای ملکوت آسمان» کلام‌های مسیح‌اند. تمامی سخنان کتاب مقدس مقدس از آن اوست، و در اینجا دربرگرفته شده‌اند. این کلام‌ها قدرت دارند که آسمان را بگشایند و ببندند. آن‌ها شرایطی را اعلام می‌کنند که بر پایه آن انسان‌ها پذیرفته یا مردود می‌شوند. بدین‌سان، کار آنان که کلام خدا را موعظه می‌کنند، برای برخی عطری از حیات برای حیات است و برای برخی دیگر از موت برای موت. رسالتی که به ایشان سپرده شده است، آکنده از نتایج ابدی است.» — آرزوی اعصار، 413.

قدرتی که از طریق کلمات او آشکار می‌شود، آنگاه که به دست انسان‌ها سپرده می‌شود، بر اصولی استوار است که در کلام او مشخص شده‌اند. شاید ساده‌ترین آن‌ها، و شاید نیز عمیق‌ترینشان، این است که حقیقت بر شهادت دو نفر استوار می‌گردد.

«عیب سنگین دیگری که در کلیسا پدید آمده بود، این بود که برادران بر ضد یکدیگر به محکمه می‌رفتند. برای حل و فصل دشواری‌ها در میان ایمانداران، تمهیدات کافی فراهم شده بود. خود مسیح به روشنی دستور داده بود که این‌گونه امور چگونه باید رسیدگی شود. نجات‌دهنده چنین اندرز داده بود: "و اگر برادرت به تو خطا ورزد، برو و در خلوت، میان خود و او، خطایش را به او بگو؛ اگر سخن تو را بشنود، برادرت را باز یافته‌ای. اما اگر نشنود، یک یا دو نفر دیگر را نیز با خود ببر تا هر سخن به گواهی دو یا سه شاهد استوار گردد. و اگر از شنیدن سخن ایشان نیز سر باز زنی، آن را به کلیسا بگو؛ و اگر از شنیدن سخن کلیسا نیز امتناع کند، در نظر تو همچون مردی از امت‌ها و باجگیر باشد. هرآینه به شما می‌گویم، آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد." متی ۱۸: ۱۵-۱۸.» اعمال رسولان، ۳۰۴.

حداقل سه شاهد جغرافیایی از دوره‌ای وجود دارد که در آن، صد و چهل و چهار هزار تن در فریاد نیمه‌شب مهر می‌شوند. با به یاد داشتن این واقعیت که در فریاد نیمه‌شب، برای به دست آوردن روغن دیگر بسیار دیر است، درمی‌یابیم که شهادت جغرافیایی گردهمایی اردویی اکستر، تصویری از نقطه‌ای را فراهم می‌آورد که در آن قوم آخرالزمانی خدا مهر می‌شوند؛ و می‌یابیم که این حقیقت به وسیله جغرافیای قیصریه فیلیپی، و نیز به وسیله شهادت نبرد پانیوم، در آیات سیزده تا پانزده باب

یازدهم دانیال، بازنمایی شده است. شاید اندکی نامناسب باشد که این سه شاهد را جغرافیایی بنامیم، اما من این اصطلاح را به کار می‌برم، زیرا جغرافیا بی‌تردید بخشی از صحنه و بستر اکستر و قیصریه فیلیپی است. عیسی، پطرس را درون همان جغرافیای نبوی قرار می‌دهد که صد و چهل و چهار هزار تن در ایام آخر خود را در آن می‌یابند. سپس او فرمانی می‌دهد.

و من کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو خواهم داد؛ و آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. آنگاه شاگردان خود را قدغن فرمود که به هیچ‌کس نگویند که او عیسی مسیح است. از آن زمان، عیسی آغاز کرد که به شاگردان خود بنمایاند که می‌باید به اورشلیم برود، و از مشایخ و سران کاهنان و کاتبان رنج بسیار بیند، و کشته شود، و در روز سوم برخیزانیده شود. پس پطرس او را به کناری کشید و آغاز به سرزنش او کرد و گفت: خداوند، این از تو دور باد؛ هرگز چنین بر تو واقع نخواهد شد. اما او برگشت و به پطرس گفت: ای شیطان، از پیش روی من دور شو؛ تو برای من موجب لغزش هستی، زیرا نه به امور خدا می‌اندیشی، بلکه به امور انسان. متی 16:19-23.

لفظ «Exeter» نام شهری در دوون انگلستان است. ریشه‌شناسی آن را می‌توان تا انگلیسی کهن پی گرفت، جایی که این شهر با نام‌های «Exanceaster» یا «Execestre» شناخته می‌شد. باور بر این است که این نام از واژه‌های انگلیسی کهن «Exe» (اشاره به رود Exe که شهر بر کنار آن واقع شده است) و «ceaster» (به معنای «دژ رومی» یا «شهر حصاردار») مشتق شده است. ازاین‌رو، «Exeter» یا به معنای «دژ بر رود Exe» است، یا «شهر حصاردار کنار رود Exe». جغرافیای مرتبط با ورود و تحقق فریاد نیمه‌شب در تاریخ میلری، مکانی را مشخص می‌سازد که در آن آب وجود داشت، که نمایانگر ریزش روح‌القدس بود، و نیز نقطه‌ای را که در آن خدا لشکری را برمی‌انگیخت تا پیام را به جهان اعلام کند؛ پیامی که، بنا بر آنچه خواهر وایت به ما می‌گوید، همچون «موج مدی» پیش رفت. موج مدی صرفاً آب رودخانه نیست، بلکه آبی است که به طرزی فوق‌العاده نیرومند شده است.

تاریخ میلریتی تحقق مثل ده باکره بود، و هنگامی که صد و چهل و چهار هزار تن به پایان زمان مهر شدن رسانیده شوند، نشانه‌های راهی را که در آغاز زمان مهر شدن مشخص گردید تکرار خواهند کرد، و نیز تاریخ اجتماع اردویی اکسیترا را. فرشته‌ای با پیامی آزمون‌کننده فرود خواهد آمد که لازم است خورده شود. آن پیام به بنیادها رهنمون خواهد شد، و دو طبقه را با «هفت زمان» لاویان بیست و شش مواجه خواهد ساخت. آن، مکاشفه عیسی مسیح را در بر خواهد داشت، که پطرس آن را به صورت پذیرش این امر بازنمایی می‌کند که عیسی به عنوان مسیح مسح شده بود، آنگاه که نماد الهی در هیئت کبوتری فرود آمد، که نمونه‌وار دلالت بر یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ دارد. آن، همچنین دربرگیرنده این فهم خواهد بود که عیسی پسر الهی خداست، و نیز این حقیقت را که چون عیسی بر هستی الهی خود جسم بشر ساقط‌شده را برگرفت، او همچنین پسر انسان است.

این حقایق دو طبقه از پرستندگان را پدید خواهند آورد، همان‌گونه که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پدید آوردند. این دو طبقه در گردهمایی اردوگاهی اکسیترا نمایان شدند، زیرا در آن گردهمایی اردوگاهی خیمه‌ای برپا شده بود از سوی گروهی از وائرتاون که پیام نداء نیمه‌شب را، آن‌گونه که از طریق Samuel Snow ارائه شده بود، رد کردند. آنان جلسات جعلی‌ای برگزار می‌کردند که چنان پرصدا و احساسی بود که رهبران جلسات Snow نزد ایشان رفتند و به آنان اطلاع دادند که آرام‌تر باشند. در آن گردهمایی اردوگاهی، دو طبقه آشکار شدند، و هر دو مدعی بودند که با آب مرتبط‌اند، اما یکی جعلی بود و نمایانگر جاهلانی بود که بی‌روغن بودند. گروهی که در خیمه اکسیترا بودند همان لشکر بودند که همان شهر نیز بودند، شهری که همچنین قلعه‌ای بود، زیرا آنان در حال به‌تصویرکشیدن استخوان‌های خشک و مرده حزقیال بودند که به پیام نداء نیمه‌شب به صورت لشکری عظیم برانگیخته می‌شوند.

در آن تاریخی که آن دو طبقه آشکار می‌شوند، پطرس نماینده هر دو طبقه بود. اعتراف او که عیسی را به‌عنوان مسیح و پسر خدا معرفی می‌کرد، به الهام روح‌القدس پدید آمد، زیرا مسیح آشکارا به او گفت: «جسم و خون این را بر تو مکشوف ساخته است، بلکه پدر من که در آسمان است.» سپس چون عیسی شاگردان را از صلیب آگاه ساخت، پطرس که در آن لحظه از تأثیر روح‌القدس بی‌بهره بود، مسیح را گرفت «و به سرزنش او آغاز کرده، گفت: خداوندا، حاشا از تو! این بر تو هرگز واقع نخواهد شد. اما او برگشته، به پطرس گفت: دور شو از من، ای شیطان، زیرا برای من لغزشی؛ چون نه امور الهی را می‌اندیشی، بلکه امور انسانی را.»

فوراً عاطفی پطرس با پرستش عاطفی‌ای که در خیمه و اترتاون، هنگامی که ساموئیل اسنو پیام فریاد نیمه‌شب را ارائه می‌کرد، در جریان بود، همسو بود. در آن سطح، پطرس نماینده کسانی است که نامزد آن‌اند که در شمار یکصد و چهل و چهار هزار تن باشند. آن نامزدها نمایانگر طبقه‌ای هستند که روغن را دارند، که همان روح‌القدس است، و آن همان پیام است و همان سیرت است؛ و طبقه دیگر فاقد روغن است. در صحنه قیصریه فیلیپی، مسیح آغاز کرد به مکشوف ساختن این که «می‌باید به اورشلیم بروی، و از مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان رنج‌های بسیار ببندی، و کشته شوی، و در روز سوم برخیزانیده شوی.»

شاگردان کی مایوسی، جب وہ واقعات درحقیقت صلیب پر پورے ہوئے، وہی تاریخ ہے جیسے سسٹر وائٹ 22 اکتوبر 1844 کی مایوسی کی مثال کے طور پر استعمال کرتی ہیں، اور نیز عبرانیوں کی اس مایوسی کی، جو بحر قلزم کے عبور کے وقت تھی، جب فرعون کی فوج ان پر چڑھتی آ رہی تھی اور سمندر کا پانی ان کے سامنے تھا۔ یہ تمام گواہ قریب الوقوع اتوار کے قانون کی نشان دہی کرتے ہیں، اور دانی ایل گیارہ کی آیات تیرہ سے پندرہ کا انکشاف ان واقعات کی شہادت فراہم کرتا ہے جو اُس اتوار کے قانون تک لے جاتے ہیں۔ ایسا کرتے ہوئے وہ "دانی ایل کی نبوت کا وہ حصہ جو آخری ایام سے متعلق ہے" کی بھی نمائندگی کرتے ہیں۔

ما این بررسی را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

مطالعه دقیق نمونه‌ها و تحقق‌های آن‌ها به این مشاهده انجامید که مصلوب شدن مسیح دقیقاً در همان روز از دور سالانه مراسمی که به اسرائیل داده شده بود واقع شد؛ همان روزی که برهٔ فیصح ذبح می‌گردید. آیا تطهیر قدس که در روز کفارہ تمثیل یافته بود—و در دهمین روز از ماه هفتم واقع می‌شد—نیز همچون آن، دقیقاً در همان روز از سال که در نمونه برگزار می‌شد، به وقوع نمی‌پیوست؟ (نگاه کنید به 399 The Great Controversy). این، بر طبق محاسبهٔ صحیح زمان در شریعت موسی، برابر با ۲۲ اکتبر می‌بود. در اوایل اوت ۱۸۴۴، در یک گردهمایی اردویی در اکستر، نیوهمپشایر، این دیدگاه مطرح شد و به‌عنوان تاریخ تحقق نبوت ۲۳۰۰ روز پذیرفته گردید. مثل ده باکره در متی ۱۳:۲۵-۱۳ اهمیت ویژه یافت—درنگ داماد، انتظار و به خواب رفتن آنان که در انتظار عروسی بودند، بانگ در نیمه‌شب، بسته شدن در، و جز آن. پیامی که اعلام می‌داشت مسیح در ۲۲ اکتبر خواهد آمد، به «فریاد نیمه‌شب» معروف شد. الن وایت نوشت: «فریاد نیمه‌شب» به‌وسیلهٔ هزاران ایماندار اعلام شد.» او افزود:

«چون موجی خروشان، جنبش [ماه هفتم] سراسر آن سرزمین را درنوردید. از شهری به شهری، از روستایی به روستایی، و تا نواحی دورافتاده کشور پیش رفت، تا آن که قوم منتظر خدا به‌طور کامل بیدار شدند.—نبرد عظیم، 400.»

«سرعتی که پیام با آن گسترش یافت، به‌وسیلهٔ نویسندگانی که ال. ای. فروم از آنان نقل کرده است، به تصویر کشیده شده است:

«بیتس چنین در ثبت خود به جا گذاشت که پیام اکستر "چنان بود که بر بال‌های باد پرواز کرد." مردان و زنان، با راه‌آهن و کشتی، با دلجان و اسب، با بسته‌هایی از کتاب‌ها و اوراق، شتابان می‌رفتند و آن‌ها را "به فراوانی برگ‌های پاییز" توزیع می‌کردند. وایت گفت: "کاری که پیش روی ما بود این بود که به هر بخش از آن عرصه وسیع بشتابیم، بانگ هشدار را بلند کنیم، و خفتگان را بیدار سازیم." و ولکام نیز می‌افزاید که آن حرکت همچون آب‌های رها شده از سد فوران کرد. کشتزارهای غله رسیده، درونشده برپا ماندند، و سیب‌زمینی‌های کامل‌رسیده، در خاک گنده‌نشده باقی ماندند. آمدن خداوند نزدیک بود. اکنون دیگر برای چنین امور زمینی زمانی نبود. —816 Prophetic Faith of Our Fathers, Vol. IV, p. 816

«به‌عنوان شاهد عینی و مشارکت‌کننده در این جنبش، الن وایت ماهیت این کار به سرعت شتاب‌گیرنده را چنین توصیف کرد:»

«ایمانداران دیدند که شک و حیرتشان برطرف شد، و امید و شجاعت دل‌های ایشان را زنده ساخت. آن کار از آن افراط‌هایی مبرا بود که هرگاه هیجان انسانی بدون نفوذ مهارکننده کلام و روح خدا پدید آید، همواره ظاهر می‌گردد.... این حرکت، ویژگی‌هایی را در خود داشت که عمل خدا را در هر عصر مشخص می‌سازد. شادی شورمندانه در آن اندک بود، بلکه بیشتر تفتیشی عمیق دل، اعتراف به گناه، و ترک دنیا دیده می‌شد. آماده شدن برای ملاقات خداوند، بار جان‌های دردمند بود....»

«از میان تمامی جنبش‌های بزرگ دینی از ایام رسولان بدین‌سو، هیچ‌یک به اندازه جنبش پاییز ۱۸۴۴ از نقص انسانی و مکرهای شیطان برکنار نبوده است. حتی اکنون نیز، پس از گذشت سالیان بسیار [۱۸۸۸]، همه آنان که در آن جنبش سهیم بودند و بر سکوی حقیقت استوار ایستاده‌اند، هنوز تأثیر مقدس آن کار مبارک را احساس می‌کنند و گواهی می‌دهند که آن از جانب خدا بود. —همان‌جا، ۴۰۰، ۴۰۱.»

«با وجود شواهد کاری که سراسر سرزمین را فراگرفته بود و هزاران نفر را به مشارکت ظهور ثانی جذب می‌کرد، و نیز حدود دویست خادم از کلیساهای گوناگون که در رساندن این پیام متحد شده بودند، [بنگرید به C. M. Maxwell, Tell it to the world, pp. 19, 20] کلیساهای پروتستان، در مجموع، آن را طرد کردند و از هر وسیله‌ای که در اختیار داشتند استفاده نمودند تا مانع از گسترش ایمان به آمدن قریب‌الوقوع مسیح شوند. هیچ‌کس جرأت نداشت در مراسمی کلیسایی از امید آمدن نزدیک عیسی سخن بگوید، اما برای آنان که در انتظار آن رویداد بودند، اوضاع به کلی متفاوت بود.»

«الن وایت نه بیان کیا که وه کیسا تها:»

«هر لحظه برای من گران‌بها و از نهایت اهمیت به نظر می‌رسید. احساس می‌کردم که ما برای ابدیت کار می‌کنیم، و آنان که بی‌اعتنا و بی‌علاقه بودند، در بزرگ‌ترین خطر قرار داشتند. ایمانم بی‌ابر بود، و وعده‌های گران‌بهای عیسی را برای خود به کار می‌بستم....»

«با جست‌وجویی دقیق در دل‌ها و اعترافی فروتنانه، در حالت دعا به زمان انتظار نزدیک شدیم. هر بامداد احساس می‌کردیم که نخستین وظیفه ما این است که اطمینان یابیم زندگانی‌مان در حضور خدا درست است. دریافتیم که اگر در قدوسیت پیش نرویم، بی‌گمان به عقب بازخواهیم گشت. علاقه ما به یکدیگر فزونی یافت؛ بسیار با هم و برای یکدیگر دعا می‌کردیم.»

«ما در باغ‌ها و بیشه‌ها گرد می‌آمدیم تا با خدا مشارکت کنیم و عرایض خود را به حضور او تقدیم نماییم، زیرا هنگامی که در میان آفریده‌های طبیعی او احاطه می‌شدیم، حضور او را روشن‌تر احساس می‌کردیم. شادی‌های نجات برای ما از خوراک و نوشیدنی‌مان ضروری‌تر بود. اگر ابرهائی

ذهن ما را تیره می‌ساخت، جرأت نمی‌کردیم آرام بگیریم یا بخوابیم تا آن‌گاه که به واسطهٔ آگاهی از مقبولیت خود نزد خداوند، آن ابرها از میان برداشته شوند.—Sketches of James Biography White and Ellen G. White (1880), 188, 189.» Arthur White, The Ellen White Biography—جلد 1، 51، 52.